مدیریت شهری
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014
۳۳۹-۳۵۰
زمان دریافت مقاله: ۱۳۹۲/۵/۱ زمان پذیرش نهایی: ۱۳۹۳/۲/۱

امکان‌سنجی توسعه اجتماعی و فرهنگی شهر تهران با تاکید بر سیستم‌های تصمیم گیری چند شاخصه؛ مطالعه موردی: منطقه ۲۰ تهران

محمدرضا بمانیان*- استاد دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.
محمدعلی خلیجی- دانشجوی دکتری شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، تبریز، ایران،

چکیده
فرهنگ، شهر و محله سه پدیده مکمل هستند. به عبارت دیگر هر سه پدیده‌های انسانی را تکمیل می‌کنند. شهر و محله صورت است و فرهنگ محتوای آن است. یکی جنبه خارجی و دیگری جنبه داخلی آن است. محله یکی از عناصر اساسی شناخت فضاهای شهری مثل آثار و ابنیه، سینما ها، مساجد و مدارس است. هدف این مقاله ارزیابی شاخص‌های توسعه فرهنگی - اجتماعی و نشان دادن سطوح توسعه محلات از نظر بهره‌مندی فضاها و امکانات است. آمار مورد استفاده در این تحقیق از سازمان شهرداری‌های استان تهران و سالنامه‌های آماری در سال ۱۳۹۰ اخذ شده است. نوع تحقیق کاربردی و روش تحلیل مقایسه ای و مدل مورد استفاده مدل الکترا می‌باشد. نتایج حاصل از تحقیق نشان می‌دهدکه بین محلات منطقه ۲۰ شهرداری تهران، از نظر بهره مندی از فضاها و امکانات فرهنگی تفاوت فاحشی وجود دارد. در این بین محله دیلمان نسبت به سایر محلات از توسعه فرهنگی و اجتماعی بیشتری نسبت به بقیه برخوردار می‌باشد.

واژگان کلیدی: زیرساخت فرهنگی، رتبه‌بندی فرهنگی، شاخص‌های فرهنگی محلات، مدل الکترا.

Social and cultural development feasibility of Tehran With an emphasis on multi-criteria decision systems (Case study: Neighborhoods in District 20)

Abstract
Culture, the city and the area are three complementary phenomenons. In other words, all three complete human phenomena. The city's neighborhoods and culture and its content. One external and the other internal aspect of it. The neighborhood is one of the basic elements of cognition of urban spaces, such as buildings and monuments, cinemas, mosques and schools. The purpose of this paper is to assess the social and cultural development indicators show the levels of courses to benefit development of space and facilities. Statistics used in the study of the Organization of the municipality of Tehran province and Statistical Yearbook in the year 2012 is getting. The type r is functional and comparative analysis method and model used to model Electre. The results of the research show that between 20 area neighborhoods of Tehran municipality, in terms of benefit from cultural spaces and facilities there is a huge difference. In this area of development than other localities dolman social and cultural more than the rest.
Keywords: Culture Infrastructure, Culture Ranking, Cultural indicators of neighborhood, Electre

* نویسنده مسئول مکاتبات، شماره تماس، ۰۹۱۲۱۰۸۱۵۳۴، رایانامه: bemanian@modares.ac.ir

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

مقدمه

محله به عنوان کوچکترین عنصر فضایی - فرهنگی شهرکه افراد از طریق روابط همسایگی و همجواری، تعلق اجتماعی، علائق و احساسات، الگوهای مشترک زندگی و در نهایت از طریق حریمی که آنرا از فضاهای مجاور جدا می‌کند، به هویتی خاص دست می‌یابند. هر شهر و هر محله ای از ویژگی هایی در بستر طبیعی خود برخوردار است که آن را از سایر شهرها و محله‌ها متمایز می‌کند (شماعی و جهانی، ۱۳۹۰، ص ۷۴). در دهه‌های اخیر بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای دخیل در امر مدیریت و برنامه‌ریزی شهری بر ترویج نگرش مشارکتی و برنامه-ریزی از پایین به بالا و توانمندسازی محلات به منظور اقدامات توسعه تأکید داشته‌اند (رضازاده و سلسله، ۱۳۹۲، ص ۸۲) لازمه پیشبرد محله، فرهنگ و ارتباط جوامع با محلات می‌باشد. فرهنگ، پایه رفتارهای انسانی به شمار می‌رود و بخش قابل توجهی از رفتارهای اقتصادی نیز بر این بنیان استوار است (عظیمی، ۱۳۸۳، ص ۸۳).کلمه‌کولتورا[1] در پایان قرن یازده برای اولین بار به یک قطعه زمین مزروعی برای کاشت سبزیجات اطلاق شد و به تدریج در معنای کشاورزی بکار رفت (کریستیانسن[2]، ۱۹۹۳، ص ۱۵۳). توسعه اجتماعی سازگاری متعال میان فرد و جامعه، ایجاد امنیت، ایجاد شرایطی با حقوق و فرصت‌های برابر و شکوفایی فرد تأکید می‌کنند (کوثری، ۱۳۸۷، ص ۱۴۶). در برگیرنده بعدی از توسعه است که برکنش و واکنشهای انسانی نهادها و روابط اجتماعی با یکدیگر تأکید می‌ورزد و بر آنها تمرکز می‌نماید و دگرگونی اجتماعی مثبت تلقی می‌شود (رنین[3]، ۲۰۰۳). بررسی نابرابری فرهنگی و وجود آن در محدوده‌های جغرافیایی مختلف در سال‌های اخیر مورد توجه برنامه‌ریزان و سیاستمداران قرار گرفته است و پژوهش‌های زیادی در سطوح ملی منطقه ای ناحیه ای و محلی با استفاده از روش‌های متفاوت صورت گرفته است که به تعدادی از مطالعات انجام شده اشاره می‌شود:

کارل رزنستاین[4] (۲۰۱۱)، در پژوهش توسعه فرهنگی و محله‌های شهری، به بیان چهار ویژگی سیاست توسعه فرهنگی می‌پردازد و به استدلال تأثیر این ویژگی‌ها در توسعه فرهنگی و زندگی فرهنگی محلات می‌پردازد. **مک کان**[5] (۲۰۰۲)، در پژوهش سیاست‌های فرهنگی توسعه اقتصاد محلی، به بررسی رقابت بر روی چگونگی ترسیم سندهای چشم انداز آینده محلات در روند سیاست‌های محلی مختلف تمرکز دارد. محمدی و ایزدی (۱۳۹۱)، تحلیلی بر توسعه فرهنگی شهر اصفهان، با استفاده از ۳۵ شاخص که در نهایت به پنج عامل اصلی تقلیل یافته، ثابت می‌کند که توزیع امکانات و فضاهای فرهنگی در اصفهان متعادل نمی‌باشد. بابایی (۱۳۸۹)، توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی در ایران، رابطه بین توسعه اجتماعی و توسعه فرهنگی را مورد بررسی قرار داده است و در نهایت نشان می‌دهد که آسیب‌های هویتی و فرهنگی و ضعف سرمایه فکری و فرهنگی مانع توسعه در ایران شده است. زیاری (۱۳۷۹)، در سنجش درجه توسعه یافتگی فرهنگی استانهای ایران، درجه توسعه یافتگی بخش فرهنگ در استان‌های ایران را با توجه به ۲۳ شاخص انتخاب و نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که استان تهران در میان سایر استان‌های کشور دارای سطح توسعه یافتگی بالا یی نسبت به سایر استان‌ها می‌باشد.

مسأله این مقاله از اینجا ناشی می‌شود که چگونه ابعاد مختلف توسعه محلی در منطقه ۲۰ تهران تحقق پیدا کرده است؟ و کدامیک از محلات منطقه ۲۰ دارای بیشترین رتبه توسعه یافتگی از نظر شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی می‌باشد؟ این بدان معنی می‌باشد که توزیع امکانات فرهنگی و اجتماعی به معنای دادن امکانات و فضاهای فرهنگی نیست، بلکه معنای وسیع تر آن استفاده از توان بالقوه محلات نیز هست، چراکه به هر جهت برخی از محلات توان بالقوه فرهنگی را دارند که تاکنون از آنها استفاده نشده است و این عدم استفاده خود به معنای عدم تعادل است.

مهمترین سؤالی که بنا است در این پژوهش پاسخ داده شود این است که، کدام یک از شاخص اجتماعی و فرهنگی در محلات منطقه ۲۰، بیشترین تأثیر را در توسعه محله ای داشته است؟ وکدامیک از محلات منطقه ۲۰

1. Culture
2. Christiansen
3. Rennie
4. Rosenstein
5. McCann

مدیریت شهری
فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

دارای بیشترین رتبه توسعه یافتگی از نظر شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی می‌باشد؟ این پژوهش با هدف ارزیابی شاخص‌های توسعه فرهنگی ـ اجتماعی و نشان دادن سطوح توسعه محلات از نظر بهره مندی فضاها و امکانات در منطقه ۲۰ تهران از طریق جمع آوری داده‌های آماری مورد ارزیابی قرار داده است و با مجموعه‌ای از شاخص ها، به تحلیل داده‌ها و جمع بندی مطالب پرداخته و با توجه به موانع و فرصت‌های پیشِ روی مدیریت محله ای در ایران و کلان شهری مانند تهران، پیشنهاداتی را در خصوص سازماندهی مطلوب برنامه‌های آتی توسعه محله ای مطرح کرده است.

مبانی نظری تحقیق

پدیده توسعه یافتگی یکی از مهمترین دستاوردهای بشر در قرن حاضر می‌باشد که باعث تغییرات ساختاری در بنیان‌های فرهنگی، اجتماعی، سنتها و سایر مشخصات و ویژگی‌های جوامع مختلف شده است (سرور، خلیجی، الف ۱۳۹۲، ص ۳۶)؛ همچنین توسعه یافتگی فرایندی تدریجی در پیشرفت موقعیت بشر است که شامل انجام فعالیت برای رسیدن به رشد مادی و تکامل اجتماعی در طول زمان می‌باشد (سرور، خلیجی، ب ۱۳۹۲، ص ۳۶).

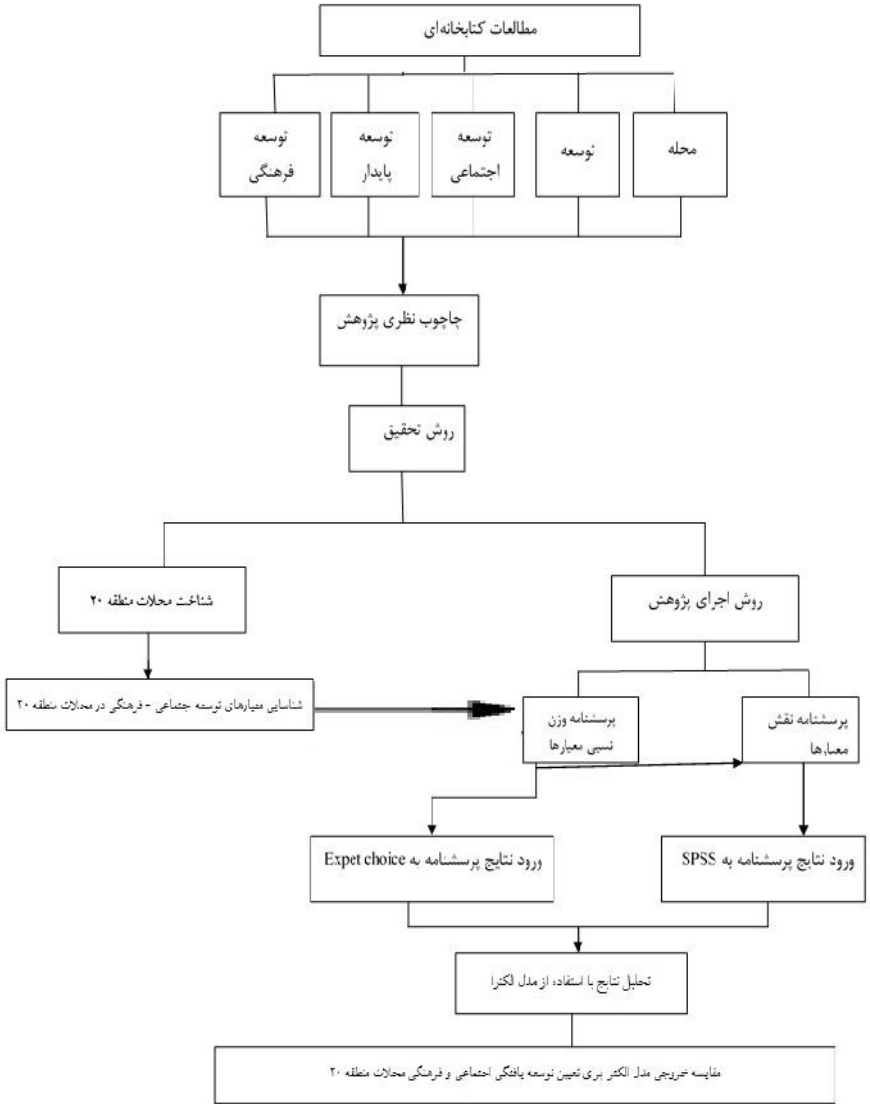
مفهوم توسعه‌ی اجتماعی یک مفهومی‌نا روشن و همچون کلافی در هم تنیده است و دیدگاه‌ها و مباحث گوناگونی را در بر می‌گیرد که نه تنها متفاوت که گاه متضادند. توسعه اجتماعی به مفهوم مسولیت پذیری می‌باشد (نانسی[۶]، ۲۰۰۰). به بیان دیگر در مفهوم «توسعه اجتماعی»، کلمه‌ی دوم آن یعنی «اجتماعی» اساساً از اهمیت بیشتری برخوردار است. زیرا عمده تعاریف صورت گرفته نیز بر واژه دوم تأکید داشته‌اند (تین[۷]، ۱۹۹۸، صص ۱۲-۹). استس (۲۰۰۱) توسعه‌ی اجتماعی را یک حوزه‌ی میان رشته ای و میان بخشی در جستجوی بهزیستی مادی و اجتماعی مردم در همه سطوح جامعه تعریف می‌نماید که این تعریف بیانگر دو نکته است: اول، تأمین رضایت مردم در سطح حداقل نیازهای اساسی از طریق تأمین آن نیازها و دوم، افزایش سطح آزادی که با رشته انتخاب هایی که مردم می توانند داشته باشند اندازه‌گیری می‌شود. به زعم وی اهداف توسعه‌ی اجتماعی از طریق مشارکت مردم تا بالاترین حد ممکن در تعیین اهداف و نتایج توسعه تعقیب می‌شوند. توسعه‌ی اجتماعی دو بعد مرتبط به هم دارد: یکی توسعه‌ی ظرفیت مردم برای کار مداوم جهت رفاه آنها و جامعه و دوم: تغییر یا توسعه‌ی نهادهای اجتماعی، به گونه ای که نیازهای بشری را در تمامی سطوح به ویژه در پایین ترین سطح، از طریق یک فرآیند بهبود در روابط بین مردم و نهادهای سیاسی اجتماعی، رفع نماید (دیوب، ۱۳۷۷، ص ۸۴). توسعه‌ی اجتماعی در برگیرنده‌ی بعدی از توسعه است که برکنش و واکنش ای انسانی، نهادها و روابط اجتماعی با یکدیگر تأکید می‌ورزد و بر آن تأکید می‌نماید (پیران، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳). همچنین توسعه فرهنگی نیز بی ارتباط با توسعه اجتماعی نیست؛ چنانچه این دو با یکدیگر وابستگی‌ها و ملزومات بسیاری دارند. توسعه فرهنگی فرایندی است که طی آن با ایجاد تغییراتی در حوزه‌های اداراکی شناختی و گرایشی انسانها، قابلیتها و باورها و شخصیت‌های ویژه‌ای را در آنها به وجود می‌آورد که حاصل این باورها و قابلیت ها، رفتار وکنش هایی است که مناسب توسعه است. به عبارتی حاصل توسعه فرهنگی کنارگذاشتن خرده فرهنگ‌های نا مناسب توسعه است. در مورد اثر فرهنگ بر توسعه میتوان به ایجاد دارایی‌های زیادی از قبیل مهارتها و محصولات فرهنگی اشاره کرد که در ارتقای رفاه جامعه اثر بسزایی دارد (مشکینی و قاسمی، ۱۳۹۱، ص ۳). اما مفهوم فرهنگ عبارت است از مجموعه ای از دستاوردهای مادی، معنوی و الگوهای تفهم و تفکر انسانی است (پلگرینو[۸]، ۱۹۸۳، ص ۱۷۵)، (کی سر[۹]، ۱۹۷۹، ص ۱۱)، مجموعه باورها، دانش ها، معارف، آداب و رسوم و یک اصطلاح دارای بار ارزشی می‌باشد (اکبریان، ۱۳۸۶، ص ۲۳). طبق این تعریف فرهنگ می‌تواند شامل سیستم‌های فن آوری‌های عمومی، موسسات علمی، ورزش‌های تفریحی، فعالیت‌های میراثی و هنری و فعالیت‌های مذهبی و معنوی باشد (فاضل نیا و همکاران، ۱۳۸۹، ص ۱۵۳).

1. Nancy
2. Thin
3. Pellegrino
4. Kayser

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر توصیفی- تحلیلی است، که بر اساس جمع آوری داده‌ها و شاخص‌های تحقیق در خصوص هدف مدنظرکه در اینجا ارزیابی شاخص‌های توسعه فرهنگی - اجتماعی و نشان دادن سطوح توسعه محلات از نظر بهره مندی فضاها و امکانات، در محلات منطقه ۲۰ شهر تهران بوده است. آمار و اطلاعات مورد نیاز در مورد شهر تهران از مرکز آمار و آمارنامه شهرداری تهران، طی سال‌های ۱۳۸۹-۹۰ اخذ شده است. برای این منظور شاخص‌های مساجد و حسینیه ها، مراکز فرهنگی مانند فرهنگسراها، سینما، تئاتر، مراکز آموزشی مانند مدارس ابتدایی، راهنمایی، دبیرستان و تعداد مردان و زنان باسواد، در نظر گرفته شده که بعد از انتخاب و امتیازدهی شاخص‌ها بر اساس الگوریتم الکترا که از روش‌های نارتبه ای تصمیم‌گیری می‌باشد، شاخص‌های امتیاز داده شده ارزیابی و رتبه بندی گردید. در محاسبات مربوط به وزن دهی، نرمال سازی و تشکیل ماتریس تصمیم بر پایه الگوریتم الکترا باکمک نرم افزار آی آر آی اس ورژن دو[10] (۲۰۰۲) انجام یافته است. تعیین شاخص‌های با حداقل پشیمانی از انتخاب نیز پس از تعیین ماتریس وزنی الکترا و بر پایه حد آستانه ۰/۵ محاسبه شده است.



شکل ۱. مدل مفهومی تحقیق؛ ماخذ: نگارندگان.

10. IRIS version 2

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

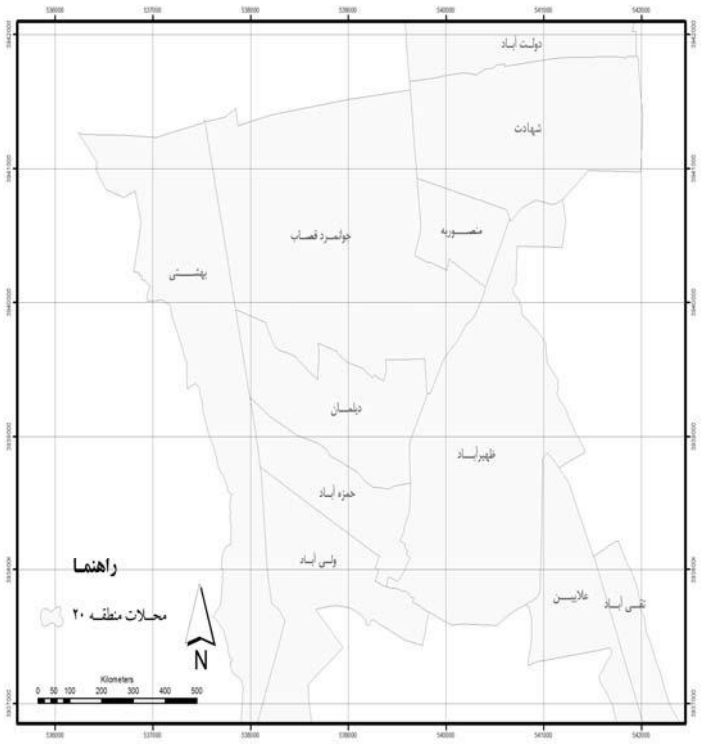
[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

محدوده مورد مطالعه

تهران سی و دومین شهری است که در به تاریخ ایران عنوان پایتخت رسمی انتخاب شده است. بر اساس آمار نامه سازمان شهرداری تهران جمعیت این شهر در سال ۱۳۹۰، ۸۱۵۴۰۵۱ نفر می‌باشد. تهران به ۲۲ منطقه و ۱۱۲ ناحیه (شامل ری و تجریش) تقسیم شده‌است. منطقه ۲۰ (شهرری) جنوبی‌ترین منطقه شهری شهرداری تهران است و دارای ۵ ناحیه داخل محدوده و ۲ ناحیه خارج محدوده می‌باشد. سابقه و قدمت ۶۰۰۰ ساله شهر ری و وجود اماکن و عناصر با ارزش تاریخی و همچنین جذب زوار حرم حضرت عبدالعظیم (ع) ویژگی‌های بسیار بارز و خاص تاریخی – مذهبی به این منطقه بخشیده و آن را نسبت به سایر مناطق تهران، مجزا و متفاوت ساخته است. جدا افتادگی کالبدی منطقه از تهران که تا سالیان اخیر نیز ادامه داشته است از خصایص بارز این منطقه به شمار می‌رود. جایگاه این منطقه از نظر فضای شهری نیز بسیار شاخص است و به عنوان عنصر اصلی و انسجام بخش فضای شهری تهران بشمار می‌آید.

تکنیک الکترا

مدل الکترا جز خانواده روش چند معیاره است که برای اولین بار در سال ۱۹۹۲ یو[11] آن را ارائه‌کرد و در سال‌های بعد توسعه داده شد. این روش، روش دسته بندی برای تصمیم گیری چند معیاره است که گزینه را بر اساس بازه‌های از پیش تعیین شده طبقه بندی می‌کند (ملک محمدی، زهرایی وکراچیان، ۱۳۸۷). این طبقه بندی در نتیجه مقایسه هر گزینه با پروفیل هایی که مبین مرز طبقات هستند حاصل می‌شود(برگ[12]، ۲۰۰۲). تکنیک الکترا توسط بنایون[13] ارائه شد و سپس توسط وان دولف[14]، نیجکمپ[15]، روی[16] و سایر همکارانش توسعه داده شده است. مفهوم این روش روابط رتبه بندی برتر است(طواری، سوخکیان و میرنژاد، ۱۳۸۷، ص ۷۶). در



شکل ۲. موقعیت محلات منطقه ۲۰؛ مأخذ: نگارندگان.

11. Yu
12. Berg
13. Benayoun
14. Van Delft
15. Nijkamp
16. Roy

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

این روش از مفهوم تسلط به صورت ضمنی استفاده(خلیجی، وظیفه شناس، ۱۳۹۲، ص ۸) وگزینه‌ها به صورت زوجی با یکدیگر مقایسه می‌شوند وگزینه‌های مسلط و ضعیف (یا غالب و مغلوب) شناسایی شده و سپس گزینه‌های ضعیف و مغلوب حذف می‌شوند (روی، ۱۹۹۱، ص ۵۶). ایده اصلی این روش حذف آن دسته از گزینه هایی تصمیم‌گیری است‌که با درجه خاصی مغلوب سایرگزینه‌های می‌شوند. این روش از دو شاخص برای ارزیابی‌گزینه‌های تصمیم‌گیری استفاده می‌کند. وظیفه شاخص هماهنگ[17] (موافق) اندازه گیری مزیت نسبی یک‌گزینه بر روی تمامی‌گزینه‌های تصمیم‌گیری است، در حالیکه وظیفه شاخص ناهماهنگ[18] (مخالف) اندازه گیری معایب نسبی یک گزینه نسبت به سایر گزینه‌ها است. در این مرحله تمامی‌گزینه‌ها نسبت به تمامی‌معیارها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و مجموعه‌های موافق و مخالف تشکیل می‌شود. ماتریس موافق مربع m*m بوده‌که قطر آن فاقد عنصر می‌باشد و سایر عناصر این ماتریس نیز از جمع اوزان شاخص‌های متعلق به مجموعه موافق حاصل می‌شود. ماتریس مخالف مربع m*m بوده‌که قطر آن فاقد عنصر می‌باشد و سایر عناصر این ماتریس نیز از ماتریس بی مقیاس شده موزون حاصل می‌شود. درادامه روش بایستی ماتریس‌کلی مؤثر را مشخص نماییم که این ماتریس از ضرب تک تک درایه‌های ماتریس تسلط موافق در ماتریس تسلط مخالف حاصل می‌شود (تمامی‌مراحل روش در بخش بعدی به طور مبسوط اشاره شده است). در مرحله نهایی برای رتبه بندی شاخص‌ها باید ماتریس تسلط نهایی را محاسبه‌کنیم. این ماتریس ترجیحات جزیی‌گزینه‌ها را بیان می‌کند. درواقع‌گزینه ارجح‌گزینه ای است‌که دارای کمترین عدد ۱ در ستون باشد (جدول ۵) (میرفخرالدینی و همکارن، ۱۳۹۰، ص ۵۶).

مراحل روش الکترا

گام اول: تبدیل ماتریس تصمیم به ماتریس بی مقیاس

روشهای مختلفی برای بی واحدکردن وجود دارد، اما در روش اکثر معمولاً از رابطه زیر استفاده می‌شود (تیله و دومانت[19]، ۲۰۰۳):

$$r_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^{m} x_{ij}^{2}}}$$

گام دوم: تشکیل ماتریس بی مقیاس وزین

$$V = N_D . W_N$$

که W ماتریس قطری وزن شاخص هاست‌که تنها عنصر اصلی آن غیر صفر است و V ماتریس بی مقیاس وزنی است.

گام سوم: تشکیل مجموعه معیارهای موافق و مخالف

در این مرحله تمامی‌گزینه‌ها نسبت به تمامی‌معیارها مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و مجمو عه‌های موافق و مخالف تشکیل می‌شود.

اگر معیار مورد نظر دارای جنبه مثبت باشد:

$$S_{ke} = \| j \mid V_{kj} \geq V_{ej} \|$$

و اگر معیار مورد نظر دارای جنه منفی باشد:

$$I_{ke} = \| j \mid V_{kj} < V_{ej} \|$$

گام چهارم: محاسبه ماتریس موافق و مخالف

ماتریس موافق مربع m*m بوده‌که قطر آن فاقد عنصر می‌باشد و سایر عناصر این ماتریس نیز از جمع اوزان شاخص‌های متعلق به مجموعه موافق حاصل می‌شود.

$$C_{ke} = \frac{\sum_{j \in S_{ke}} W_j}{\sum_{j=1} W_j}$$

ماتریس مخالف مربع m*m بوده‌که قطر آن فاقد عنصر می‌باشد و سایر عناصر این ماتریس نیز از ماتریس بی مقیاس شده موزون حاصل می‌شود.

$$d_{ke} = \frac{max_{j \in I_{ke}} \| V_{kj} - V_{ej} \|}{max_{j \in J} \| V_{kj} - V_{ej} \|}$$

17. Concordance
18. Discordance
19. Tille and Dumont

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

لازم به تذکر است که اطلاعات موجود در ماتریس موافق تفاوت‌های عمده‌ای با اطلاعات موجود در ماتریس مخالف دارد و در واقع این اطلاعات مکمل یکدیگرند. تفات میان وزن‌ها به وسیله ماتریس موافق حاصل می‌شود، حال آنکه تفاوت میان مقادیر مشخص شده به وسیله ماتریس مخالف بدست می‌آید.

$$C^- = \sum_{k=1}^{k\neq e} \sum_{e=1}^{e\neq k} \frac{C_{ke}}{m(m-1)}$$

گام پنجم: محاسبه ماتریس موافق موثر

از طریق رابطه زیر

$$f_{ke} = \begin{cases} 0 & C_{ke} \geq C^- \\ 1 & C_{ke} < C^- \end{cases}$$

گام ششم: محاسبه ماتریس مخالف موثرگام هفتم:

$$d^- = \sum_{k=1}^{k\neq e} \sum_{e=1}^{e\neq k} \frac{d_{ke}}{m(m-1)}$$

$$g_k = \begin{cases} 0 & d_{ke} > d^- \\ 1 & d_{ke} \leq d^- \end{cases}$$

مشخص نمودن ماتریس کلی موثر H

ماتریس تسلط نهایی H از ضرب تک تک درایه‌های ماتریس تسلط موافق F در ماتریس تسلط مخالف G حاصل می‌شود:

$h_{ke} = f_{ke} \cdot g_{ke}$

گام هشتم: حذف کردن گزینه‌های با رضایت کمتر و انتخاب بهترین گزینه

ماتریس تسلط نهایی H ترجیحات جزیی گزینه‌ها را بیان می‌کند. به طور مثال اگر مقدار h_{ke} برابر یک باشد بدین معناست که برتری گزینه K برگزینه e در حالت موافق و مخالف قابل قبول است و اما گزینه K شانس مسلط شدن توسط گزینه‌های دیگر را دارد. گزیمه‌های بید اتخاب شود که بشتر از آنکه مغلوب شود تسلط داشته باشد و از این نظر می‌توان گزینه‌ها را رتبه بندی کرد. در واقع گزینه ارجح گزینه ای است که دارای کمترین عدد ۱ در ستون باشد (میر فخرالدینی و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۵۶).

گام نهم: حذف گزینه‌های کم جاذبه

ماتریس کلی H نشان دهنده ترتیب ارجحیت نسبی از گزینه هاست؛ بدان معنی که $h_{ke}=1$ نشان می‌دهد که A_k بر A_1 هم از نظر معیار هماهنگی و هم از نظر معیار ناهماهنگی ارجح است. بدن صورت A_k هنوز ممکن است که تحت تسلط گزینه‌های دیگری باشد (وحدانی و هادی پور[20]، ۲۰۱۱، ص ۵۷۲).

۲. استاندارد نمودن داده‌ها و تشکیل ماتریس استاندارد از طریق رابطه زیر:

$$r_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_{k=1}^{m} a_{kj}^2}} \qquad (۲)$$

شاخص / محلات	درصد مسجد و حسینیه	درصد تئاتر سینما موزه و کتابخانه	تعداد مدارس ابتدایی	تعداد مدارس راهنمایی	تعداد مدارس دبیرستان و هنرستان	درصد با سواد مردان	درصد با سواد زنان
جوانمرد قصاب	۱۴,۳۳	۵,۰۰	۲,۲۲	۳,۳۳	۳,۸۷	۴,۹۰	۵,۰۵
منصوریه	۱۴,۳۳	۵,۰۰	۲,۲۲	۲,۲۲	۲,۶۶	۱,۹۵	۲,۰۲
دیلمان	۳۴,۳۵	۴۵,۰۰	۴,۴۴	۴,۴۴	۱۰,۶۶	۸,۵۰	۹,۰۰
بهشتی	۲۸,۶۳	۱۵,۰۰	۳,۳۳	۲,۲۲	۱,۳۳	۳,۶۱	۳,۶۰
ظهیرآباد	۱۴,۳۲	۳۵,۰۰	۳,۳۳	۴,۴۴	۳,۳۳	۴,۵۰	۴,۶۰
حمزه آباد	۱۱,۴۳	۱۰,۰۰	۲,۲۲	۲,۲۲	۳,۳۳	۳,۱۴	۳,۲۶
ولی آباد	۸,۶۱	۲۰,۰۰	۲,۲۲	۴,۴۴	۷,۳۳	۶,۰۵	۶,۲۵

20. Vahdani & Hadipour

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

جدول ۲. ماتریس نرمال شده؛ مأخذ: محاسبات نگارندگان.

شاخص / محلات	درصد مسجد و حسینیه	درصد تئاتر سینما موزه و کتابخانه	تعداد مدارس ابتدایی	تعداد مدارس راهنمایی	تعداد مدارس دبیرستان و هنرستان	درصد با سواد مردان	درصد با سواد زنان
جوانمرد قصاب	۰,۲۷	۰,۰۸	۰,۲۸	۰,۳۶	۰,۲۶	۰,۳۷	۰,۳۶
منصوریه	۰,۲۷	۰,۰۸	۰,۲۸	۰,۲۴	۰,۱۸	۰,۱۵	۰,۱۴
دیلمان	۰,۶۵	۰,۷۱	۰,۵۷	۰,۴۸	۰,۷۳	۰,۶۳	۰,۶۵
بهشتی	۰,۵۴	۰,۲۴	۰,۴۲	۰,۲۴	۰,۰۹	۰,۲۷	۰,۲۶
ظهیرآباد	۰,۲۷	۰,۵۵	۰,۴۲	۰,۴۸	۰,۲۳	۰,۳۴	۰,۳۳
حمزه آباد	۰,۲۲	۰,۱۶	۰,۲۸	۰,۲۴	۰,۲۳	۰,۲۳	۰,۲۳
ولی آباد	۰,۱۶	۰,۳۲	۰,۲۸	۰,۴۸	۰,۵۰	۰,۴۵	۰,۴۵

جدول ۳. تعدیل وزن در معیارها؛ مأخذ: محاسبات نگارندگان.

شاخص / محلات	درصد مسجد و حسینیه	درصد تئاتر سینما موزه و کتابخانه	تعداد مدارس ابتدایی	تعداد مدارس راهنمایی	تعداد مدارس دبیرستان و هنرستان	درصد با سواد مردان	درصد با سواد زنان
جوانمرد قصاب	۰,۰۲۹۷	۰,۰۲۱۳	۰,۰۰۲۸	۰,۰۵۰۶	۰,۰۳۷۱	۰,۰۴۷۵	۰,۰۷۲۴
منصوریه	۰,۰۲۹۷	۰,۰۲۱۳	۰,۰۰۲۸	۰,۰۳۳۷	۰,۰۲۵۵	۰,۰۱۸۹	۰,۰۲۹۰
دیلمان	۰,۰۷۱۲	۰,۱۹۱۵	۰,۰۰۵۷	۰,۰۶۷۴	۰,۱۰۲۲	۰,۰۸۲۴	۰,۱۲۹۱
بهشتی	۰,۰۵۹۳	۰,۰۶۳۸	۰,۰۰۴۲	۰,۰۳۳۷	۰,۰۱۲۷	۰,۰۳۵۰	۰,۰۵۱۶
ظهیرآباد	۰,۰۲۹۷	۰,۱۴۹۰	۰,۰۰۴۲	۰,۰۶۷۴	۰,۰۳۱۹	۰,۰۴۳۶	۰,۰۶۶۰
حمزه آباد	۰,۰۲۳۷	۰,۰۴۲۶	۰,۰۰۲۸	۰,۰۳۳۷	۰,۰۳۱۹	۰,۰۳۰۴	۰,۰۴۶۸
ولی آباد	۰,۰۱۷۸	۰,۰۸۵۱	۰,۰۰۲۸	۰,۰۶۷۴	۰,۰۷۰۳	۰,۰۵۸۷	۰,۰۸۹۷

جدول ۴. تشکیل ماتریس هماهنگ؛ مأخذ: محاسبات نگارندگان.

شاخص / محلات	درصد مسجد و حسینیه	درصد تئاتر سینما موزه و کتابخانه	تعداد مدارس ابتدایی	تعداد مدارس راهنمایی	تعداد مدارس دبیرستان و هنرستان	درصد با سواد مردان	درصد با سواد زنان
جوانمرد قصاب		۱,۰۰	۰,۴۱	۰,۶۱	۰,۵۸	۰,۷۳	۰,۱۲
منصوریه	۰,۱۲		۰,۲۷	۰,۵۵	۰,۳۸	۰,۲۶	۰,۲۲
دیلمان	۰,۵۷	۰,۷۳		۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰	۱,۰۰
بهشتی	۰,۳۹	۰,۷۲	۰,۰۰		۰,۱۲	۰,۸۶	۰,۸۸
ظهیرآباد	۰,۸۹	۰,۶۲	۰,۰۰	۰,۸۸		۰,۸۹	۰,۷۳
حمزه آباد	۰,۲۷	۰,۷۴	۰,۰۰	۰,۱۴	۰,۱۱		۰,۲۶
ولی آباد	۰,۸۸	۰,۸۸	۰,۰۰	۰,۸۸	۰,۲۷	۰,۷۴	

فصلنامه مدیریت شهری
Urban Management
شماره ۳۶ پاییز ۱۳۹۳
No.36 Autumn 2014

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

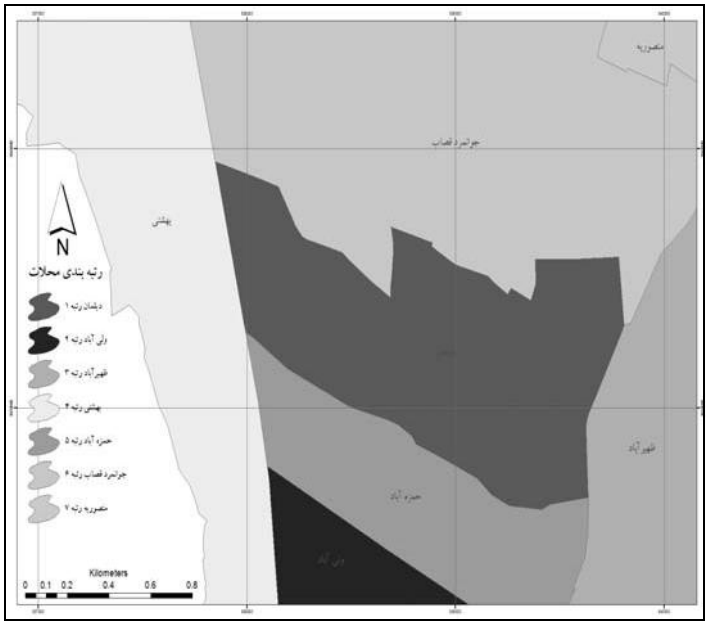
جدول ۵. ماتریس تسلط نهایی؛ مأخذ: محاسبات نگارندگان.

code	شاخص / محلات	جوانمرد قصاب	منصوریه	دیلمان	بهشتی	ظهیرآباد	حمزه آباد	ولی آباد
A1	جوانمرد قصاب	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰
A2	منصوریه	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
A3	دیلمان	۱	۱	۰	۱	۱	۱	۱
A4	بهشتی	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰
A5	ظهیرآباد	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۰
A6	حمزه آباد	۰	۱	۰	۰	۰	۰	۰
A7	ولی آباد	۱	۱	۰	۱	۰	۱	۰

بر اساس جدول شماره ۵ نتایج زیر حصول می‌گردد:

A1 > A2
A3>A1 A3>A2 A3>A4 A3>A5 A3>A6 A3>A7
A4>A2
A5>A1 A5>A2 A5>A4 A5>A6
A6>A2
A7>A1 A7>A2 A7>A4 A7>A5 A7>A6

بر اساس تجزیه و تحلیل انجام یافته محله دیلمان از نظر شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی دارای بیشترین رتبه در میان سایر محلات منطقه ۲۰ می‌باشد.



شکل ۳. رتبه بندی محلات منطقه ۲۰، مأخذ: یافته‌های نگارندگان

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

نتیجه گیری و جمعبندی

محله از دیرباز به عنوان کانون هویت بخشی در شهر مورد توجه بوده است. در نگاه اولیه نسبت به توسعه و پارامترهای اصلی برای سنجش آن شاخص‌های بسیاری می‌توانند مورد توجه قرار بگیرد. اما آنچه مسلم است آن است که محله بیشتر یک هسته اجتماعی است و از اینرو شاخص‌ها در بعد اجتماعی اهمیت بیشتری باید داشته باشند. در سال‌های اخیر، توجه به مشکلات و معضلات محلات و برنامه ریزی جهت بهبود فضای کالبدی و اجتماعی در صدر برنامه ریزی‌های کلان شهرها قرار گرفته است. از آنجا که بافت محله ای شهرها بر اثر دخالت عوامل گوناگون دچار از هم گسیختگی شده است، از جمله راهکارهایی که در این نظریه بر آن تأکید می‌شود، برنامه ریزی در سطوح توسعه محلات از نظر بهره مندی فضاها و امکانات است. نابرابری اقتصادی، نابرابری فرهنگی را به دنبال دارد. بدین جهت نابرابری‌های فرهنگی پیامدهای بس ناگوار از نابرابری‌های اقتصادی دارد. بنابراین مطالعات و مقایسه محلات و مناطق در ابعاد فرهنگی می‌تواند برنامه ریزان و سیاست گذاران اقتصادی اجتماعی را در اتخاذ تصمیمات و اجرای برنامه‌های مناسب در جهت کاهش نابرابری یاری رساند.

هدف این مقاله ارزیابی شاخص‌های توسعه فرهنگی - اجتماعی در توسعه محلات منطقه ۲۰ تهران می‌باشد و دو مسئله اصلی که پژوهش حاضر بنا دارد به آنها پاسخ دهد این است که، چگونه ابعاد مختلف توسعه محلی در منطقه ۲۰ تهران تحقق پیدا کرده است؟ و کدامیک از محلات منطقه ۲۰ دارای بیشترین رتبه توسعه یافتگی از نظر شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی می‌باشد؟

مسائل و مشکلات در دستیابی به اهداف توسعه پایدار بویژه مسائل اجتماعی و فرهنگی و عدم توانایی در تحقق اهداف جهانی این رویکرد، منجر به شکل گیری نگرش خردتری از توسعه پایدار با تأکید و اجرایی نمودن اندیشه‌ها و آرمان‌های جهانی در سطوح محلی و ملموس، گردید. پایداری محلات و توسعه محله ای در صدد است تا با دستیابی به اهداف توسعه پایدار در مقیاس اجتماعات محله ای و اجزا سازنده محیط‌های شهری، نتایج توسعه پایدار را به صورت ملموس و قابل ارزیابی در آورد. امروزه ناکامی در دستیابی به اهداف توسعه پایدار، زمینه را برای تحقق مفاهیم مطرح در این رویکرد در مقیاس‌های کوچک و خرد فراهم نموده و در برخی کشورها توسعه یافته به عنوان یک راهبرد مهم، حکومت و دولت در برنامه‌های توسعه ارائه شده است. معیارهایی چون عدالت اجتماعی، دموکراسی اجتماعی، نرخ باسوادی در محلات مورد توجه قرار می‌گیرند و موفقیت یا عدم موفقیت رویکرد توسعه بر مبنای برخورداری یا عدم برخورداری ساکنین محلات از معیارهای فوق ارزیابی گردد که از دلایل موفقیت آمیز در محلات، برنامه‌ریزی در محلات از سطح پایین به بالا صورت می‌گیرد و موجب افزایش نقش شهروندان در اداره امور شهر می‌شود.

همچنین در این تحقیق پس از تشکیل ماتریس تصمیم برای روش الکترا محاسبات مربوط در نرم افزار انجام شد و شاخص‌ها بر اساس الگوریتم الکترا رتبه بندی و میزان پشیمانی[21] مشخص گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها با الگوریتم الکترا نشان داد که شاخص مساجد و حسینیه بالاترین اولویت را بدست آورده است. بعلاوه در این پژوهش شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی مورد ارزیابی قرار گرفت و نتیجه اینکه محله دیلمان، ولی آباد، ظهیرآباد، بهشتی، حمزه آباد، جوانمرد قصاب، منصوریه، به ترتیب در رتبه‌های ۱ تا ۷ قرار گرفته‌اند. وضعیت اجتماعی و فرهنگی در محلات دیلمان و ولی آباد در وضعیت مطلوبی نسبت به سایر محلات منطقه قرار دارند که رتبه بندی محلات در شکل شماره ۲ نیز قابل مشاهده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت میزان مشارکت فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی در محلات دیلمان و ولی آباد نسبتاً قابل قبول است. در ادامه تحقیق به ارائه پیشنهادها در بهبود و تقویت ظرفیت و توان توسعه اجتماعی محلات پرداخته می‌شود:

- تقویت امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی اجتماعی در جهت بالا بردن روحیه ساکنان محله.
- ایجاد نظم اجتماعی فرهنگی در میان محلات.
- ضرورت فرهنگ سازی و اطلاع رسانی با هدف افزایش

21. Regret

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

فرهنگ شهروندی، روحیه آگاهی و مسؤلیت پذیری و مشارکت عمومی توسط نهادهای ذی ربط.

- تشکیل نهادهای مشارکتی مانند شرکت‌های تعاونی، NGO به منظور افزایش همبستگی و تجانس محله ای.
- گسترش و تقویت مراکز فرهنگی آموزشی در سطح محلی.
- تدوین برنامه‌های توسعه با مطالعه وضعیت محلات در منطقه ۲۰.
- توجه ویژه به محلات منصوریه، حمزه آباد در جهت کاهش نابرای‌های اجتماعی و فرهنگی.

منابع و ماخذ

۱. اکبریان، رضا (۱۳۸۶)، «بررسی نقش فرهنگ در اقتصاد» ماهنامه مهندسی فرهنگی، تهران، دوره ۲، شماره ۱۲، ۳۲-۲۴.

۲. بابایی فرد، اسد الله (۱۳۸۹)، «توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی» فصلنامه رفاه اجتماعی، تهران، دوره ۱۰، شماره ۳۷، ۵۶-۷

۳. پیران، پرویز (۱۳۸۲)، «سیاست اجتماعی، توسعه اجتماعی و ضرورت آن در ایران» فصلنامه رفاه اجتماعی، تهران، ویژه نامه سیاست اجتماعی، شماره ۱۰، ۱۵۴-۱۱۹.

۴. دیوب (۱۳۷۷)، «نوسازی و توسعه در جستجوی قاب‌های فکری جدید» ترجمه ا. موثقی، تهران، انتشارات قومس.

۵. رضازاده، راضیه و سلسله، علی (۱۳۹۲)، «بررسی رابطه سرمایه‌های اجتماعی و برنامه ریزی توسعه محله مبنا» مدیریت شهری، تهران، دوره ۱۱، شماره ۳۲، ۱۰۰-۸۱.

۶. زیاری، کرامت الله (۱۳۷۹)، «سنجش درجه توسعه یافتگی فرهنگی استان‌های ایران» مجله نامه علوم اجتماعی، تهران، دوره ۸، شماره ۱۶، ۱۰۴-۹۱.

۷. سرور، رحیم و خلیجی، محمد علی (الف۱۳۹۲)، «رتبه بندی توسعه صنعتی شهرستان‌های استان کردستان» مطالعات مدیریت شهری، تهران، دوره ۵، شماره ۱۳، ۴۳-۳۵.

۸. سرور، رحیم و خلیجی، محمد علی (ب۱۳۹۲)، «بررسی و تحلیل جایگاه شهر قشم در توسعه اقتصاد منطقه‌ای» اقتصاد و مدیریت شهری، دوره ۲، شماره ۵، ۶۷-۵۳.

۹. شماعی، علی و جهانی، رحمان (۱۳۹۰)، « بررسی اثرات توسعه‌ی عمودی شهر بر هویّت محلّه ای (مطالعه موردی منطقه ۷ تهران)» فصلنامه مطالعات شهر ایرانی و اسلامی، تهران، دوره ۲، شماره ۶، ۸۲-۷۳.

۱۰. فاضل نیا، غریب، توکلی، مرتضی، تاجبخش، کاظم (۱۳۸۹)، «ارزیابی برنامه‌های توسعه فرهنگی در مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان رستم »، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، تهران، دوره ۳، شماره ۱۱، ۱۷۷-۱۴۹.

۱۱. عظیمی، حسین (۱۳۸۳)، مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران، چاپ پنجم، نشر نی.

۱۲. طواری مجتبی سوخکیان محمدعلی، میرنژاد سیدعلی (۱۳۸۷)، «شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر بهره وری نیروی انسانی با استفاده از تکنیک‌های پ‌ئاپ» نشریه مدیریت صنعتی، تهران، دوره ۱، شماره ۱، ۸۸-۷۱.

۱۳. کوثری، مسعود (۱۳۸۷)، «تأثیر نسبی فنّاوری‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی در توسعه‌ی اجتماعی» نامه پژوهش فرهنگی، تهران، دوره ۹، شماره ۳۳، ۱۷۰-۱۳۹.

۱۴. محمدی، جمال و ایزدی ملیحه (۱۳۹۱)، «تحلیلی بر سطح توسعه فرهنگی شهر اصفهان با استفاده از تحلیل عاملی» مجله مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه ای، اصفهان، دوره ۴، شماره ۱۶، ۱۰۴-۸۹.

۱۵. مشکینی، ابوالفضل و قاسمی اکرم (۱۳۹۱)، «سطح بندی شهرستان‌های استان زنجان بر اساس شاخص‌های توسعه فرهنگی با استفاده از مدل TOPSIS» فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، مرودشت، دوره ۲، شماره ۱۱۷-۱.

۱۶. ملک محمدی و زهرایی کراچیان (۱۳۸۷)، رتبه بندی جواب‌های مدل بهینه سازی چند هدفه بهره بردری از مخازن با روش ELECTRE، مجموعه مقالات سومین کنفرانس مدیریت منابع آب ایران تبریز. ایران.

۱۷. میرفخرالدینی حیدر فرید، داریوش، طحاری مهرجردی، محمدحسین، زارعی محمودآبادی، محمد (۱۳۹۰)، «شناسایی و اولویت بندی عوامل موثر بر بهبود کیفیت خدمات بهداشتی و درمانی با استفاده از تکنیک تصمیم گیری چند شاخصه» مجله مدیریت سلامت، تهران، دوره، ۱۴، شماره ۴۳، ۶۲-۵۱.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]

18. Berg, L. S. A. (2002), “Transport Infrastructure Regional Study in the Balkans, Final Report”, Appendix 8 ELECTR TRI.
19. Christiansen U., (1993), “Les reforms au Denmark. Metropolis en disequilibria”, urbane de Lyon, Ed. Economic. Paris.
20. Kayser B., (1979), “Petites villes ET pays dans Lamenagament Rural”.CNRS, Paris.
21. McCann, E. J., (2002), “the Cultural Politics of Local Economic Development: Meaning- Making, Place-Making, and the Urban Policy Process”, Geoforum, 333(3), 385-398.
22. Nancy, R., (2000), “Economic and social Dev.: Two sides of some coin old summation social Dev. Economic Dev. and social Responsibility”, Geneva, Switzerland.
23. Pellegrino P. Bernard P., (1983), “Escape ET culture. Ed. George Saint- Saphion”, Suisse.
24. Rosenstein, C., (2011), “Cultural development and city neighborhoods”, City, Culture and Society 2(1), 9–15.
25. Rennie, J.K. (2002), “World Bank Social Development Strategy”. Washington Dc.WB.
26. Rennie, J.K., (2003), “Securing future fir all, MNA Region Strategy for Social Development”, Washington Dc.WB.
27. Roy, B., (1991), “The Outranking Approach and the Foundation of ELECTRE Methods”, Theory and Decision, 31(1), 49-73.
28. Tille, M., Dumont, A.G., (2003), “Methods of Multicriteria Decision Analysis within the Road Projects like an Element of the Sustainability”, 3 rd. Swiss Transport Research Conference.
29. Thin, N., Good, T. & Hodgson, R., (1998), “Social Development Policies Result and Learning: Experiences from European Agencies”. UK Social Development Division.
30. Vahdani, B., & Hadipour, H (2011), “Extension of the ELECTRE method based on interval-valued fuzzy sets”. Soft Computing-A Fusion of Foundations, Methodologies and Applications, 15(3), 569-579.
31. Yu, W. (1992), “ELECTRE TRI: aspects methodologies ET manuals utilization. Document du lamsade”, University Paris-Dauphine. No. 74.

[Downloaded from ijurm.imo.org.ir on 2026-11-24]